

فاروق امیری

۱

سبکای نفسی تازه
بر شانه‌های لایه‌های هوا
شفای زخم اکسیژنی
آنگاه که زخمه بر گلوگاه می‌زنی
آنجا که تار لطف
در چنگ بود تو
پود شکل خودش می‌شود
که از شکل‌های توست

دو آفتاب جوان
از گریبانت خیره‌اند
به ماهیت قدیم و یگانه‌ی ماهت
مزامیر کشمیری
بام جهان
به قدر قدر تو بالاست.

۲

ای دهانت سالی خوش
برکت باغ‌ها
در سینه‌ی توست
آن انحنای بزرگوار شیر و شکر
که آب‌های اساطیری
به آنجا می‌ریزند
و سرچشمه‌ی خیال ست.

ای میوه‌ی چشمانت
شب تابستان شمال
ای ستاره‌ی بارانی که عمر جهان را ممکن می‌کنی
ای جوانی عالم
اجرام مرا بفشار و فرو بکش
ای هندسه‌ی ساده
طاق‌های مرا نصرت کن.